موضوع: بررسی شبهه استبعاد ظلم نسبت به حضرت زهرا (س)

شبهه استبعاد در مورد ظلم و ستم به حضرت زهرا (س)

حاصل بحثی که در دو جلسه قبل در مورد حوادثی که بعد از رحلت رسول مکرم اسلام (ص) در میان صحابه و مسلمانان رخ داد این بود که آنان نسبت به حضرت فاطمه زهرا (س) که بر اساس منابع و روایی فریقین دارای مقام و مزلت بسیار بالا و برجسته بودند، رفتار بد و نامناسبی داشتند. این در حالی بود که جا داشت به جهت جایگاه ایشان، وی را مورد احترام فوق العاده قرار می داند نه مورد آزار و توهین و اذیت. اما متاسفانه گزارشات تاریخی بعد از رحلت پیامبر (ص) مجالی برای محقق بی طرف در تردید در این مساله نمی گذارد. این حادثه ای که جای سرافکندکی داشته و در نهایت منجر به شهادت حضرت زهرا (س) در اثر این صدمه های جسمی و روحی شد.

منشا این استبعاد

برخی در برابر این شواهد تاریخی و روایی، موضع استبعاد گرفته اند. این استبعاد آنها دو منشا دارد: در مورد منشا اول گفته اند: مقام و منزلت و جایگاه اصحاب پیامبر (ص) به حدی بود که بعید به نظر می رسد دست به چنین کاری زده باشند. برخی از این اصحاب هجرت کرده و برای همراهی با پیامبر (ص) دست از مال و منال خود برداشتند و برخی مانند انصار به استقبال از این مهاجرین پرداختند. این صحابه کسانی بودند که در جنگ ها جانفشانی کردند و با مال و جانشان اسلام را یاری کردند. چگونه می توان قبول کرد که بلافاصله بعد از رحلت پیامبر (ص) نسبت به خاندان و تنها یادگار ایشان چنین رفتارهایی داشته باشند؟

نظیر همین استبعاد در مورد امامت امیرالمومنین (ع) نیز بیان شده است. آنان گفته اند چگونه ممکن است صحابه با شناختی که از آنان داریم، این نصوص پیامبر (ص) در مورد امیرالمومنین (ع) را نادیده گرفته و زیر پا گذاشته باشند؟ این بعید به نظر می رسد.

نقد و بررسی

این نگاه قداست آمیز به صحابه به گونه ای که آنان را مبرا از هرگونه عیب و نقص بداند، با عقل و واقعیت های تاریخی و آیات قرآن و احادیث نبوی سازگاری ندارد.

مصونیت صحابه از جهت عقل

از نظر عقل صرف اینکه فردی به پیامبری ایمان آورده باشد، شرط کافی برای عصمت او نیست. عقل چنین لازمه ای را در اینجا نمی بیند. بله اگر بیش از این مقدار، افرادی مورد عنایت ویژه ای قرار گرفته باشند، این مصونیت در مورد آنها قابل قبول است مانند نزول آیه تطهیر در مورد خاندان خاص پیامبر (ص)، و یا مانند عنایت ویژه در مورد حضرت یوسف (ع) آنجا که قرآن کریم می فرماید: «وَ هَمَّ بِها لَوْ لا أَنْ رَأى‏ بُرْهانَ رَبِّهِ كَذلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَ الْفَحْشاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبادِنَا الْمُخْلَصين‏»[[1]](#footnote-1): حضرت یوسف (ع) اگر مورد عنایت ویژه قرار نگرفته بود و برهان پروردگار را ندیده بود به سمت زلیخا رو می کرد.

بنابراین از جهت عقل امکان مصونیت برای افرادی وجود دارد اما دلیل می خواهد و صحابی بودن پیامبر (ص) کفایت برای این امر نمی کند.

قرآن و مساله صحابه

آیات قرآن درباره صحابه چند دسته هستند:

1. دسته ای از صحابه ای مورد ستایش ویژه قرآن قرار گرفته اند. روشن است که از این دسته خطاهای آشکار و نمایان مانند آنچه در باره حضرت زهرا (س) واقع شد سر نمی زند. از جمله قرآن می فرماید:

« مِنَ الْمُؤْمِنينَ رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضى‏ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ ما بَدَّلُوا تَبْديلا».[[2]](#footnote-2)

و در آیه دیگر می فرماید: « إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتابُوا وَ جاهَدُوا بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ في‏ سَبيلِ اللَّهِ أُولئِكَ هُمُ الصَّادِقُون‏».[[3]](#footnote-3)

2. دسته دوم صحابه ای که در شرایط حساس و سخت نمره قبولی نگرفتند، مانند اینکه در میدان جنگ گریختند و یا برای کسب غنائم جنگی از فرمان پیامبر (ص) سرپیچی کردند، و یا برای تجارت نماز و پیامبر (ص) را رها کرده و رفتند.

«يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا ما لَكُمْ إِذا قيلَ لَكُمُ انْفِرُوا في‏ سَبيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَ رَضيتُمْ بِالْحَياةِ الدُّنْيا مِنَ الْآخِرَةِ فَما مَتاعُ الْحَياةِ الدُّنْيا فِي الْآخِرَةِ إِلاَّ قَليل‏»[[4]](#footnote-4): اى اهل ايمان ! شما را چه عذر و بهانه‏اى است هنگامى كه به شما گويند : براى نبرد در راه خدا باشتاب [ از شهر و ديارتان ] بيرون رويد ؛ به سستى و كاهلى مى‏گراييد [ و به دنيا و شهواتش ميل مى‏كنيد ؟ !] آيا به زندگى دنيا به جاى آخرت دل خوش شده‏ايد ؟ كالاى زندگى دنيا در برابر آخرت جز كالايى اندك نيست‏.

«يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكافِرينَ يُجاهِدُونَ في‏ سَبيلِ اللَّهِ وَ لا يَخافُونَ لَوْمَةَ لائِمٍ ذلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتيهِ مَنْ يَشاءُ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَليم‏»[[5]](#footnote-5). این آیه نشان می دهد در میان صحابه افرادی بودند که این زمینه در آنها بود که ارتداد پیدا کرده و برگردند.

«كَبُرَ مَقْتاً عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا ما لا تَفْعَلُون‏»[[6]](#footnote-6)

«وَ إِنَّ فَريقاً مِنَ الْمُؤْمِنينَ لَكارِهُون‏»[[7]](#footnote-7)

«ها أَنْتُمْ هؤُلاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا في‏ سَبيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخَلُ وَ مَنْ يَبْخَلْ فَإِنَّما يَبْخَلُ عَنْ نَفْسِهِ وَ اللَّهُ الْغَنِيُّ وَ أَنْتُمُ الْفُقَراءُ وَ إِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْماً غَيْرَكُمْ ثُمَّ لا يَكُونُوا أَمْثالَكُم‏»[[8]](#footnote-8): آگاه باشيد ! شما همان مردمى هستيد كه براى انفاق در راه خدا دعوت مى‏شويد، پس برخى از شما بخل مى‏ورزند ، و هر كه بخل پيشه كند ، فقط نسبت به [ سعادت و خوشبختى‏] خود بخيل است‏ و خدا [ از انفاق و صدقات شما ] بى‏نياز است، و شماييد كه نيازمند هستيد ؛ و اگر [ از فرمان‏هاى او ] روى بگردانيد به جاى شما گروه ديگرى را مى‏آورد كه مانند شما [ روى گردان و سست عقيده و بخيل ] نخواهند بود.

«وَ إِذا رَأَوْا تِجارَةً أَوْ لَهْواً انْفَضُّوا إِلَيْها وَ تَرَكُوكَ قائِماً قُلْ ما عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَ مِنَ التِّجارَةِ وَ اللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقين‏»[[9]](#footnote-9): و [ برخى از مردم ] چون تجارت يا مايه سرگرمى ببينند [ از صف يك پارچه نماز ] به سوى آن پراكنده شوند و تو را در حالى كه [ بر خطبه نماز ] ايستاده‏اى ، رها كنند . بگو : پاداش و ثوابى كه نزد خداست از سرگرمى و تجارت بهتر است ، و خدا بهترين روزى دهندگان است‏.

این آیات که نمونه هایی از آن بیان شد بیان گر آن است که در میان صحابه افرادی بودند که ایمان راسخی نداشتند و دلبستگی های مادی بر آنها تاثیر داشت و در نتیجه از برخی دستورات پیامبر (ص) سرپیچی می کردند و به همین خاطر مورد نکوهش خدای متعال قرار گرفتند.

3. دسته از صحابه هم منافقین بودند که ایمان ظاهری آوردند. تعداد اینها زیاد و تاثیر گذار بودند. آیات فراوانی در این باره آمده است از جمله:

«وَ مِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِنَ الْأَعْرابِ مُنافِقُونَ وَ مِنْ أَهْلِ الْمَدينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفاقِ لا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلى‏ عَذابٍ عَظيم‏»[[10]](#footnote-10): و گروهى از باديه نشينانى كه پيرامونتان هستند منافق‏اند ؛ و نيز گروهى از اهل مدينه بر نفاق خو گرفته‏اند ، تو آنان را نمى‏شناسى ما آنان را مى‏شناسيم ، به زودى آنان را دوبار عذاب مى‏كنيم [ عذابى در دنيا و عذابى در برزخ ] سپس آنان را به سوى عذابى بزرگ بازمى‏گردانند.

«وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ ما هُمْ بِمُؤْمِنين‏»[[11]](#footnote-11)

«إِذا جاءَكَ الْمُنافِقُونَ قالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنافِقينَ لَكاذِبُون‏»[[12]](#footnote-12)

در برخی روایات آمده است که منافقون در زمان پیامبر (ص) از طریق بغض نسبت به امیرالمومنین (ع) شناخته می شدند.[[13]](#footnote-13) در برخی روایات نیز آمده است که دوستی با امیرالمومنین (ع) نشانه ایمان و دشمنی با ایشان نشانه نفاق است. [[14]](#footnote-14) برای این افراد بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) زمینه برای زیر پاگذاشتن دستور پیامبر (ص) فراهم بوده است اعم از تاثیر مستقیم و یا تحریک دیگران.

بنابراین این نگاه قدسی به صحابه و اینکه آنان مبرا از مخالف دستورات پیامبر (ص) می داند از نظر عقل و آیات قرآن غیر قابل قبول است. ادامه بحث انشاءالله در جلسه آینده بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. سوره یوسف، آیه 24 [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره احزاب، آیه 23 [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره حجرات، آیه 15 [↑](#footnote-ref-3)
4. سوره توبه، آیه 38 [↑](#footnote-ref-4)
5. سوره مائده، آیه 54 [↑](#footnote-ref-5)
6. سوره صف، آیه 3 [↑](#footnote-ref-6)
7. سوره انفال، آیه 5 [↑](#footnote-ref-7)
8. سوره محمد، آیه 38 [↑](#footnote-ref-8)
9. سوره جمعه، آیه 11 [↑](#footnote-ref-9)
10. سوره توبه، آیه 111 [↑](#footnote-ref-10)
11. سوره بقره، آیه 8 [↑](#footnote-ref-11)
12. سوره منافقون، آیه 1 [↑](#footnote-ref-12)
13. سنن ترمذی، ج4، ص 473، ح 3717، باب مناقب علی بن ابی طالب (ع) [↑](#footnote-ref-13)
14. همان، ح 3736 ؛ صحیح مسلم، ج1، ح 131 [↑](#footnote-ref-14)